

## بررسی تطبیقی مصادیق ضمانت اجرای کیفری از منظر دوگانه‌سازی در حقوق ایران و فرانسه

محمد هادی صادقی\*\*

علی نجیبیان\*

شهرام ابراهیمی\*\*\*

فضل الله فروغی\*\*\*

### چکیده

امروزه تکرر روزافزون ضمانت اجراها، لزوم بررسی بنیادین جایگاه هر یک از آن‌ها در قالب تکنیک دوگانه‌سازی ضمانت اجراها را از حیث اهمیت دوچندان کرده است. این‌که اقدام‌های تأمینی و تربیتی به شکل ضمنی در ضمانت اجرای مختلف کیفری و اداری وجود دارند، اهمیت بررسی دوگانه‌سازی در حقوق کیفری ایران را به امری ضروری تبدیل می‌سازد. با استفاده از این تکنیک می‌توان به شکلی ضابطه‌مند مصادیق ضمانت اجراها را مشخص و با تعیین سیستم حاکم بر آن‌ها اقدام متناسب را اتخاذ کرد. این فرآیند چه در حقوق شکلی و چه در حقوق ماهوی، در حقوق کیفری ایران و فرانسه به گونه‌ای است که میان ضمانت اجرای مجازات‌ها و اقدام‌های تأمینی تفکیک می‌کند و هر یک را تابع رژیم خاص خود قرار می‌دهد. ضمانت اجرای آموزشی، قرارهای درمانی و نظارت قضایی بیشتر ماهیتی تأمینی دارند. همچنین تعویق صدور حکم و نیز ضمانت اجرای ترمیمی، جملگی از سازوکارهایی هستند که دوباره در شرایطی به سازوکاری کیفری تبدیل می‌شوند. این موضوع اگرچه با هدف کنترل و مدیریت مجرمین خطرناک سیاست‌گذاری شده، اما با عدم چارچوب‌بندی دقیق معمول در تعیین

\* دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

\*\* محمد هادی صادقی، دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

\*\*\* دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

\*\*\* دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

ضمانت اجراها مواجه است. سوال این است که پس هدف قانونگذار کیفری از تعیین ضمانت اجراهای فوق با توجه به آثار ابهام‌آلود آن چه بوده است؟ در توجیه سیاست کیفری هدفمند قانون‌گذار در ترکیب ضمانت اجراهای کیفری، می‌توان انگیزه ساده‌سازی پاسخ‌های کیفری و نیز سیاست مقابله با بزه‌کاران خطرناک را مشاهده کرد که به عقیده ما می‌تواند واجد هر دو وصف مزبور و با تأکید بر سیاست کیفری مدیریت مجرمین خطرناک از سوی قانون‌گذار باشد. تبیین مفهوم دوگانه‌سازی ضمانت اجراهای کیفری، دلیل‌گرایش قانون‌گذار کیفری، مصادیق این دوگانگی و چالش‌های پاسخ‌های کیفری در حقوق فرانسه و ایران موضوع محوری این مقاله را تشکیل می‌دهد.

**واژگان کلیدی:** اقدامات تأمینی، دوگانه‌سازی، حالت خطرناک، ضمانت اجرای کیفری، مجازات.

### سراغاز

بعد از به وجود آمدن مکتب تحقیقی و مفاهیمی همچون «حالت خطرناک» و «اقدامات تأمینی» به عنوان مابه‌ازاء آن در سیستم پاسخ‌های کیفری، پیوسته میان قانون‌گذار و حقوقدانان در تعیین پاسخ متناسب کیفری اختلاف نظر بوده است؛ تا به آن جا که از سیستم‌های وحدت یا دوگانگی نظام جزایی (مجازات، اقدامات تأمینی) سخن به میان آمده و کماکان محل بحث در عرصه حقوق کیفری و جرم‌شناسی و مدیریت بزه‌کاران است. واژه «دوگانه‌سازی» نیز به تاسی از مباحث فوق در کشورهای همچون ایتالیا، اسپانیا و آلمان و فرانسه پدید آمد. برای نخستین بار بعد از تصویب قانون مجازات فرانسه (ق.م.ف) این سازوکار به حوزه ادبیات حقوقی این کشور راه پیدا کرده است؛ به گونه‌ای که حکایت از تحول در حوزه نظام ضمانت اجراهای کیفری دارد. این واژه دلالت بر «پیچیدگی» و «ترکیب» در ماهیت ضمانت اجراهای کیفری دارد (۳۱۳: ۲۰۰۷، Delmas-Marty). در ایران نیز بعد از تصویب اقدامات تأمینی در قانون ۱۹۳۷ م. سوئیس، در سال ۱۳۳۹ ه.ش این تدابیر در کنار مجازات و به عنوان ابزاری

مهم در سیاست جنایی مورد استفاده قرار گرفت (دهشیری، ۱۳۸۴: ۵) اما به کارگیری این تدابیر در مفهوم «دوگانه سازی» مصطلح و مورد نظر در این بحث به صورت نظام مند در حقوق ایران، در ماده ۴۸ مکرر قانون مجازات اسلامی سابق (اصلاحی ۱۳۸۷) مورد استفاده قانون گذار قرار گرفته است. ریشه چنین تأسیسی را می باید در آموزه های مکتب تحقیقی جست که در کنار مجازات ها، اقدامات تأمینی و تربیتی را نیز به عنوان سازوکار ضمانت اجرایی در جهت بازگرداندن و ادغام دسته ای خاص از مجرمین در نظر گرفته بود؛ اما این سازوکار با شکل گیری سیاست جنایی سخت گیرانه و امنیتی عصر جدید، به تدابیری توان گیر، امنیت محور تبدیل شد که سخن از حذف، طرد و اخراج بزهکار از جامعه و کنار گذاری اصل بازگرداندن و ادغام دوباره مجرم به جامعه دارد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۱: ۲۲). ماهیت بسیاری از اقدامات تأمینی تغییر کرده به گونه ای که دارای وجوه و کارکردهای متنوعی - از مجازات اصلی گرفته تا ابزاری برای سرکوب مجرمین خطرناک برای جامعه - شده است.

برای نمونه «ضمانت اجراهای آموزشی» به عنوان ضمانت اجرایی مورد ارزیابی قرار می گیرند که نه مجازات و نه تدابیر آموزشی هستند، بلکه ترکیبی از هر دو ضمانت اجرا محسوب می شوند. برای این که این ابهام و عدم شفافیت را به گونه ای روشن تری ترسیم کنیم، می توان به تأسیساتی همچون «نظارت اجتماعی-قضایی»<sup>۱</sup> یا به تعبیر برخی حقوقدانان «مجازات بدون مشابه»<sup>۲</sup> یا «بازداشت تأمینی»<sup>۳</sup> اشاره کرد. این موضوع در شورای قانون اساسی فرانسه نیز در قالب عبارت «تدابیر سرکوبگر»<sup>۴</sup> مورد اشاره قرار گرفته است. قانون مجازات ۱۹۹۲ فرانسه تمایز روشنی میان مجازات ها و اقدامات تأمینی قائل نشده و آن را مشمول رژیم واحدی (مجازات ها) قرار داده بود که

۱. Suivi socio-judiciaire

۲. Peine pas comme les autres

۳. Mesures de rétention

۴. Mesures répressives

این اراده در جهت ساده‌سازی ضمانت اجرای کیفری در اراده‌های تقنینی قانون‌گذار عقیم مانده و به سرانجام نرسیده است؛ در قانون ۲۰۰۵ نیز در خصوص «ضمانت اجراها» و «قرارها»<sup>۱</sup> نسبت به بزهکاری اطفال که گاهی اوقات جنبه کیفری پیدا می‌کنند و گاهی صرفاً یک تصمیم ساده قضایی تلقی می‌شوند، شفاف‌سازی صورت پذیرفته است (Danet, ۲۰۱۰: ۴۹). در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز قانون‌گذار با نسخ صریح قانون اقدامات تأمینی و تربیتی ۱۳۳۹ و اختصاص آن‌ها به جرائم اطفال و نوجوانان با توجه به تجربه‌های عدیده قانون‌گذاری خود در باب کنترل بزهکاران خطرناک،<sup>۲</sup> به ظاهر از سیاست جنایی مورد نظر قانون‌گذار فرانسه تبعیت کرده است. آوردن تدابیر تأمینی و تربیتی قانون منسوخ مزبور نیز در ذیل مجازات‌های تکمیلی، مهر تأییدی بر این واقعیت است. علاوه بر این موارد، در قانون مجازات اسلامی، نفی بلد یا تبعید (ماده ۲۸۲ ق.م.ا)، تراشیدن موی سر (ماده ۲۲۹ ق.م.ا)، نگهداری در کانون اصلاح و تربیت و نیز پرداخت جزای نقدی (ماده ۸۹ ق.م.ا) از نقطه نظر حقوقدانان جملگی تدابیر تأمینی هستند که به صورت مستقل و به عنوان مجازات اصلی مورد حکم قرار گرفته‌اند (شمس ناتری و دیگران، ۱۳۹۲: ۳۶۹) و از جنبه اصلاحی و درمانی یا آموزشی خود فاصله گرفته و وارد رویکرد تبیهی و سرکوبگرانه شده‌اند. نکته حائز اهمیت در این خصوص این است که اقدامات تأمینی منعکس در قانون اقدامات تأمینی و تربیتی ۱۳۳۹ صرفاً در خصوص مجرمینی قابلیت اجرا را داشت که نامبردگان دارای حالت خطرناکی بوده باشند، حال آن‌که اقدامات تأمینی مندرج در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نه تنها در خصوص مجرمین خطرناک که موضوعاً اخص تلقی می‌شدند، بلکه در مورد سایر بزهکاران نیز که فاقد وصف

۱. گفتنی است آن چه امروزه در قالب ضمانت اجرای کیفری از آن یاد می‌شود اعم از ضمانت اجرای شکلی در مرحله تحقیقات مقدماتی در دادرها و ضمانت اجرای ماهوی در مرحله صدور رای در دادگاه‌ها را شامل می‌شود و در این مقاله نیز با این رویکرد، ضمانت اجرای مزبور را بررسی خواهیم کرد.

۲. از جمله آخرین این قوانین می‌توان به ماده ۴۸ مکرر قانون مجازات اسلامی سابق اشاره کرد که به نوعی با هدف نظارت بر مجرمین سابقه‌دار مورد تصویب قانونگذار قرار گرفت.

خطرناکی بودند نیز مجری است. لذا اقدامات تأمینی مندرج در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، شامل ضمانت اجرایی می‌شود که هم تعزیر در مفهوم مجازات را در برمی‌گیرد و هم شامل اقدامات تأمینی موضوع قانون اقدامات تأمینی و تربیتی ۱۳۳۹ خورشیدی است. مسئله مهم در این خصوص، اقدام مبهم قانون‌گذار در پیش‌بینی رویکردهای اعمال ضمانت اجرای متناسب با نوع عمل ارتكابی و نیز مرتکب جرم (مجازات، اقدامات تأمینی) است که در مواردی با فلسفه حاکم بر تعیین ضمانت اجرای کیفری و آثار آن همخوانی ندارد.

به‌راستی هدف قانون‌گذار از نسخ صریح اقدامات تأمینی و تربیتی ۱۳۳۹ در ماده ۷۲۸ قانون مجازات ۱۳۹۲ و اتخاذ سیاست افتراقی نسبت به مجرمین مسئول (مجازات‌های تکمیلی) و غیرمسئول (اقدامات تأمینی و در برخی موارد مجازات) چیست؟ می‌توان به‌مانند نص صریح موجود در قانون مجازات فرانسه قائل به جستجو به منظور ساده‌سازی ضمانت اجرای کیفری شد؟<sup>۱</sup> (Badinter, ۱۹۸۸: ۱۸) یا سعی در پیاده‌سازی آموزه‌های جرم‌شناسی امنیتی و وارد کردن آن به عرصه حقوق کیفری و قوانین مرتبط ایده اصلی این اندیشه است؟ شفافیت اقدام قانون‌گذار ایرانی و فرانسوی در تعیین ضمانت اجرای کیفری متناسب با جرم‌شناسی‌های امنیت‌گرا چه میزان قابل توجیه با سیاست اتخاذی آن‌هاست؟

در این مقاله سعی می‌شود تا از رهگذر تبیین مفهوم دوگانه‌سازی ضمانت اجرای کیفری، دلیل گرایش قانون‌گذار کیفری، مصادیق این دوگانگی و چالش‌های این پاسخ‌های کیفری در حقوق فرانسه و ایران را ذکر کرده و به تحلیل آن بپردازیم. به

۱. در کنگره ارزیابی قانون مجازات ۱۹۹۲ به صورت مشروح بیان شده است: «به منظور ساده‌سازی، تمام ضمانت اجرای کیفری در یک دسته‌بندی قرار می‌گیرند که عبارت است از مجازات‌ها. در حقوق کیفری، در کنار مجازات‌های اصلی، ممنوعیت‌های مختلف- تعلیق پروانه رانندگی، ممنوعیت‌های حرفه‌ای و... - به عنوان اقدامات تأمینی تعریف شده‌اند و مشمول رژیم خاص خود به ویژه از نقطه نظر عفو عمومی، عفو خاص یا مرور زمان هستند. از این پس تمام ضمانت اجرای جزایی بدون تمایز مجازات محسوب می‌شدند. علاوه بر این، این ضمانت اجراها (مجازات‌ها) نسبت به محکومین دارای شرایط یکسانی هستند.»

جز آثار معدودی به مانند «مطالعه تطبیقی اقدامات تامینی و تربیتی در حقوق اسلام و حقوق موضوعه ایران» پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد به قلم محسن رهامی به سال ۱۳۷۷ در دانشگاه تربیت مدرس و پایان‌نامه «اقدامات تامینی و تربیتی در حقوق کیفری ایران» دوره کارشناسی ارشد به قلم آقای ناصر قاسمی به سال ۱۳۷۱ در دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی نگاشته شده است و صرفاً مبانی کلی بحث ما را تشکیل می‌دهد، در آثار حقوق کیفری به صورت مختصر پاره‌ای از مصادیق موضوع بحث ما را مورد اشاره قرار داده‌اند، این نگاه به ضمانت اجراهای موجود و ماهیت دوگانه آن مطمئن نظر نبوده است. شایان ذکر است با عنایت به این‌که مبانی بحث، ریشه در حقوق فرانسه داشته و قوانین کیفری ایران بر مبنای آن تنظیم و تدوین شده‌اند، لذا مقاله پیشرو با محوریت قوانین کیفری فرانسه نگارش یافته و به تناسب، بازتاب آن در حقوق کیفری ایران تشریح شده است. بر همین اساس، ابتدا مقاله به تبیین دوگانه‌سازی و سپس تحلیل مصادیق مختلف ضمانت اجراهای مرتبط از منظر تکنیک دوگانه‌سازی می‌پردازد. بدیهی است که چرایی رویکرد قانون‌گذار و چالش‌های نظری در ذیل هر یک از مصادیق ضمانت اجراها تبیین می‌شود.

### ۱. دوگانه‌سازی ابزاری در اختیار سیاست جنایی

دوگانه‌سازی ضمانت اجراهای کیفری، نه به معنای «جایگزینی» و نه «تبدیل» مجازات است؛ بلکه این تغییرات به عنوان نوعی «تبدیل ماهیت تکامل یافته» تلقی می‌شود که سعی در متناسب‌سازی واکنش کیفری با جرم و کنترل مجرمین مکرر برای تأمین امنیت جامعه دارند (Desportes & Gunehec, ۲۰۰۹: N. ۱۰۱۰). درست است که ماهیت اقدامات تامینی و تربیتی کمک به بازگرداندن و یکپارچه‌سازی او با هنجارهای جامعه داشته و اصولاً در مورد بزهکاران دارای مسئولیت اعمال می‌شود، اما با ظهور و بروز جرم‌شناسی امنیتی، مفهوم مسئولیت کیفری نیز دستخوش تغییر شده و با مفاهیمی

همچون «مسئولیت کیفری بدون مجرمیت»<sup>۱</sup> و «مسئولیت کیفری بدون قابلیت انتساب»<sup>۲</sup> مواجه هستیم که ملاک مسئولیت را نه اراده آزاد، بلکه خطرناکی و مسئولیت اجتماعی می‌داند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۱: ۲۹). نوع نگرش به مسئولیت افراد (اعم از مسئول و غیرمسئول کیفری) و تعیین ضمانت‌اجراهایی که ابتدا دارای ماهیت انسانی و سپس بعضاً قهرآمیز هستند، حکایت از این نوع سیاست جنایی جدید در دوگانه‌سازی ضمانت‌اجراهای کیفری دارد. بر همین اساس، با محوریت و هدف اصلاح و تربیت بزهکار، دادگاه‌ها ممکن است مجازات حبس را به خدمات عمومی و عام‌المنفعه (ماده ۸-۱۳۱ ق.م.ف و مواد ۶۵ تا ۶۸ ق.م.ا) یا مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی (ماده ۶-۱۳۱ ق.م.ف و ماده ۸۷ ق.م.ا) تبدیل کنند. در این مورد جریمه نقدی روزانه به عنوان جایگزینی برای مجازات جایگزین دیگر است. با این سیاست، قانون‌گذار نخواست از تصمیم خود بر مدیریت خطر بزهکاران-ولو با درجه خطرناکی کم یا اطفال و نوجوانان- پا پس بکشد و پیوسته سازوکار مرحله‌ای متناسب را در مورد کنترل بزهکار لحاظ کرده است. این امکان در ق.م.ا ۱۳۹۲ ایران به صورت افتراقی در حقوق کیفری بزرگ‌سالان و اطفال پیش‌بینی شده است. برخی از صاحب‌نظران حقوق کیفری از این اقدام به عنوان «جایگزین‌های مرحله‌ای»<sup>۳</sup> در حال توسعه یاد می‌کنند (Salvage, ۲۰۰۶: ۱۰). با این وصف تبدیل مرحله دوم، برای قاضی اجرای مجازات‌ها این امکان را برای مدیریت مجازات تعیین شده و اصلاح مجدد مجازات مورد حکم از سوی دادگاه صادر کننده فراهم می‌سازد. در ق.م.ا ایران و با تدقیق در مواد ۶۴ تا ۸۷

۱. بر این اساس، افراد به لحاظ حالت خطرناک یا بالقوه خطرناک یا بالفعل خطرناک یا ریسک‌دار تلقی می‌شوند و بر همین اساس، مجازات می‌شوند که بیشتر کارکرد اقدام تأمینی دارد.

۲. این موضوع در خصوص افرادی که مسئولیت کیفری به آنها قابل انتساب نیست، مانند صغار و مجانین، مطرح می‌شود. در این صورت، به لحاظ وجود حالت خطرناک و بیم ارتکاب دوباره جرم توسط این افراد، تحت شرایطی، مشمول اقدام‌های تأمینی طردکننده به منظور تضمین امنیت جامعه، واقع می‌شوند. این در حالی است که در رویکرد سنتی حقوق کیفری، افراد مورد نظر مسئولیت کیفری نداشته و مشمول برخورد کیفری نمی‌شدند.

ذیل فصل نهم (مجازات‌های جایگزین حبس) چنین سازوکاری را در حقوق کیفری بزرگسالان نمی‌توان مشاهده کرد؛ اما در حقوق کیفری اطفال و نوجوانان امکان تعیین جایگزین‌های مرحله‌ای در تبصره ۲ ماده ۸۹ ق.م.ا در خصوص صغار بین ۱۵ تا ۱۸ سال و اقامت در منزل در ساعات معین یا نگهداری در کانون اصلاح و تربیت در دو روز آخر هفته به جای صدور حکم به مجازات نگهداری یا جزای نقدی قابل مشاهده است. به این ترتیب، در این خصوص با مسئولیت نقصان یافته یا تخفیف یافته‌ای در خصوص اطفال و نوجوانان در معرض ریسک مواجه هستیم. (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۹۱: ۳۵). این موضوع با تسامح در صدر ماده ۹۰ ق.م.ا نیز قابل مشاهده است؛ به این صورت که دادگاه می‌تواند مدت نگهداری طفل را تا یک‌سوم تقلیل داده یا نگهداری را به تسلیم طفل یا نوجوان به ولی یا سرپرست قانونی تبدیل کند.

از سال ۲۰۰۵ نیز قانون‌گذار فرانسوی مدل جدیدی از اقدامات تأمینی را در قوانین مورد توجه قرار داد که به این اقدامات جنبه دوگانه یا حتی چندوجهی داده است (ماده ۷۶۳-۱۰ آ.د.ک.ف). این موضوع با تعبیه نظارت الکترونیکی متحرک (سیار) برای نخستین بار با قانون شماره ۲۰۰۵-۱۵۴۹ مصوب ۱۲ دسامبر ۲۰۰۵ به عنوان یک «اقدام تأمینی» معرفی شد (Robert, ۲۰۰۶: ۲). همین رویه را می‌توان در ماده ۷۰۶-۳-۱ ق.آ.د.ک.ف در خصوص ثبت خودکار سوابق سجلی قضایی بزهکاران جنسی و جرائم شدید (۲۶۷ n° ۲۰۰۶ oct ۳۱ Crim.) یا در ماده ۷۰۶-۵۶ همان قانون با عنوان ثبت ملی رایانه‌ای آثار ژنتیک<sup>۱</sup> مرتکبین، نیز نظارت قضایی ایجاد شده در قانون ۲۰۰۵ در ماده ۷۲۳-۲۹ ق.آ.د.ک.ف، نظارت و مراقبت تأمینی در بند ۱۹ ماده ۷۰۶-۵۳ همان قانون در سال ۲۰۰۸ مشاهده کرد (۴۵ n° ۲۰۰۵ sept. ۲۸ Crim.). مورد دیگری را که می‌توان در این تقسیم‌بندی قرار داد، ممنوعیت‌های جدیدی است که در خصوص رابطه و تعامل میان بزه‌دیده یا جامعه مدنی با مرتکب جرم از حیث محل سکونت و کار وی است که برای نخستین بار در قانون ۱۰ مارس ۲۰۱۰ معرفی شد (ماده ۷۱۲-۱۶-۲ ق.آ.د.ک.ف)



(Robert, ۲۰۱۰, étude n.۸). شمار و تعداد این تدابیر و اقدامات مشخصاً خیلی گسترده نیست، اما حکایت از عزم قانون‌گذار بر این حقیقت است که خود را محدود در چارچوب مجازات‌ها ندانسته و به اقدامات تأمینی نیز نظر داشته است. این اقدامات را می‌توان حمل بر این واقعیت کرد که قانون‌گذار سیاست یا نظام دوگانه‌ای را در برخورد با مصادیق بزهکاری اتخاذ کرده است: مجازات به عنوان پاسخی به تقصیر و مجرمیت مرتکب و اقدامات تأمینی به عنوان پاسخی در قبال خطرناکی وی؛ اما مشکلی که در این میان وجود دارد عدم شفافیت قوانین در بسیاری از موارد در تعیین و اتخاذ این رویکرد دوگانه است.

## ۲. ابهام در تعیین ضابطه دوگانه‌سازی

درست است که دوگانه‌سازی را امروزه به عنوان یک سازوکار و تکنیک در سیاست کیفری و جنایی می‌توان محسوب کرد، اما گاهی قانون‌گذار در تعیین ضمانت اجرای متناسب با توجه به مرتکب و نوع جرم ارتكابی دچار سردرگمی شده، سازوکار غیرمطلوبی را برمی‌گزیند. از لحاظ ساختاری سردرگمی در دوگانه‌سازی، در قالب تعیین مجازات‌ها یا اقدامات تأمینی زمانی ایجاد می‌شود که ضمانت اجرا کیفری با هدف «سرکوب» و «پیشگیری» هم‌زمان بوده، بدون این‌که یکی بر دیگری اولویت داشته باشد. اینجاست که مجازات‌ها و اقدامات تأمینی، تنبیه و درمان فرد با یکدیگر ترکیب می‌شود. نتیجه این‌که این دوگانه با ویژگی‌های ذاتی مجازات‌ها و اقدامات تأمینی متفاوت است. این موضوع در دو قالب مجازات‌های آموزشی و دستورات درمانی و نظارت قضایی که دارای ماهیتی دوگانه هستند قابل بحث است.

## ۲-۱. مجازات‌های آموزشی

از دیرباز آموزش به عنوان سازوکاری تربیتی بعد از اجرای آن برای بزرگسالان در قالب «دوره‌های کوتاه‌مدت» و به‌واسطه‌ی فواید آن در خط مقدم مجازات‌ها در

حقوق کیفری اطفال و نوجوانان و تحت عنوان «ضمانت اجراهای آموزشی» مورد استفاده قرار می‌گیرد. در قانون اقدامات تأمینی و تربیتی ۱۳۳۹، قانون‌گذار ایران، واژه «کارآموزی» را برای مرتکبین بزرگسال مورد استفاده قرار داده بود. در ماده ۶ این قانون ضمن تصمیم به «نگهداری» فرد مجرم در قالب عبارت «دادگاه می‌تواند... دستور نگهداری او را در یک کارگاه کشاورزی یا صنعتی برای مدت نامعینی بدهد... این آموزش باید طوری باشد که ساختمان فکری و جسمی و مخصوصاً اطلاعات دیگر حرفه‌ای مجرم را تکمیل کند»، به اهمیت موضوع آموزش به عنوان یک ضمانت اجرای دخیل در فرآیند کیفری ناظر به بزرگسالان اشاره کرده بود. همچنین نگهداری اطفال در کانون اصلاح و تربیت، موضوع بند ۵ ماده ۳ قانون اخیرالذکر، هدفی جز اصلاح و تربیت طفل از رهگذر «آموزش» نداشته است. قانون‌گذار ایران با نسخ قانون اقدامات تأمینی، این مهم در فصل دهم قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ با عنوان مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی اطفال و نوجوانان در بند الف ماده ۸۸ دنبال کرده است که اشعار می‌دارد: «درباره اطفال و نوجوانانی که مرتکب جرائم تعزیری می‌شوند و سن آن‌ها در زمان ارتکاب، نه تا پانزده سال تمام شمسی است، حسب مورد، دادگاه یکی از تصمیم‌های زیر را اتخاذ می‌کند... ۲. فرستادن طفل یا نوجوان به یک مؤسسه آموزشی و فرهنگی به منظور تحصیل یا حرفه‌آموزی». در حقوق فرانسه نیز با پیش‌بینی این دسته از ضمانت اجراهای آموزشی در مورد صغار بالای ۱۰ سال ( Ordinance, Feb. ۲, ۱۹۴۵ article ۱۵-۱) به موجب قانون ۹ سپتامبر ۲۰۰۲، قانون‌گذار رو به ایجاد ضمانت‌های اجرایی آورد که بیش از آن‌که جنبه آموزشی داشته باشد واجد وصف سرکوبگرانه بود. این ابداع قانون‌گذار در نتیجه دوگانه‌سازی ضمانت اجراهای کیفری به روشنی با حفظ ماهیت آن‌ها و تأیید شورای قانون اساسی، به صورت هم‌زمان اجرای تدابیر آموزشی را در کنار مسئولیت کیفری اندک صغار مطرح کرد. با این وجود، اساساً این ضمانت اجراها را با توجه به آثار آن می‌توان بیشتر به مجازات تشبیه کرد تا اقدام تأمینی. قانون‌گذار همچنین این موضوع را در راستای متعادل کردن به‌کارگیری اقدامات

آموزشی - تربیتی در قالب قانون شماره ۲۰۰۷-۲۹۷ مصوب ۵ مارس ۲۰۰۷ در قالب پیشگیری از بزهکاری اطفال مورد اصلاح قرار داد و چهار ضمانت اجرای جدید که در آن ماهیت آموزشی و تربیتی دارای کارکرد برجسته‌تری است را اضافه کرد: ۱. تحت نظر بودن یک ماهه در مؤسسات خصوصی یا عمومی روانشناسی، آموزشی یا کار اجتماعی؛ ۲. الزام به انجام تکالیف مدرسه؛ ۳. اخطار رسمی و تحت نظر قرار دادن در مدرسه با گذراندن دوره‌های آموزشی مرتبط با مدرسه و ۴. گذراندن دوره‌های آموزشی در مدرسه و صرفاً همراهی والدین در تعطیلات رسمی و آخر هفته (Bonfils, ۲۰۰۷: ۱۰۲۷). این تدابیر مفید است، زیرا به عموم جامعه این حقیقت را بازگو خواهد کرد که بزه‌های ارتكابی توسط اطفال و نوجوانان از چشم تیزبین عدالت کیفری دور نخواهند ماند. (Bonfils, ۲۰۰۹: ۹; Varinard, ۲۰۰۸: ۷۳۷) <sup>۱</sup> از طرفی دیگر این نکته نیز ممکن است مطرح شود که این ضمانت اجراها نوعی مجازات هستند (Ratineau, ۲۰۱۷: ۵۴۷) (Pradel, ۲۰۰۸: ۲۲۴۷) <sup>۲</sup> یا حداقل تنبیهی برای صغار محسوب می‌شوند که فقط نام مجازات بر آنها نهاده نمی‌شود. عبارت فصل دهم قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نیز که «مجازات‌ها» را در کنار «اقدامات تأمینی و تربیتی» در خصوص اطفال و نوجوانان به کار برده است حکایت از گرایش به این سیاست کیفرگرایانه دارد. در واکنش نظام کیفری در قبال بزرگسالان نیز وضعیت مشابهی وجود دارد؛ آنجا که قانون‌گذار در ذیل نام مجازات‌ها، اقدامات آموزشی-تربیتی در قالب «آموزش و

۱. در این ارتباط بایستی خاطرنشان کرد کمیسیون وارینارد مقرر می‌دارد: صغار بین سن ۱۲ و ۱۸ سال به واسطه ارتكاب رفتارهای خود مسئول قلمداد شده و بنابراین مشمول مجازات خواهند بود. همین رویه در ماده ۸۹ ق.م.ا ۱۳۹۲ نیز اتخاذ شده است؛ به این صورت که درباره نوجوانانی که مرتکب جرم تعزیری می‌شوند و سن آنها در زمان ارتكاب بین ۱۵ تا ۱۸ سال تمام شمسی است مجازات‌های زیر اجرا می‌شود... که حکایت از پیش‌بینی مسئولیت کیفری این دسته از صغار دارد. گفتنی است کمیسیون وارینارد پیشنهاد می‌کند که نام «تدابیر و اقدامات آموزشی» از «ضمانت اجرای آموزشی» تنها به واسطه شفاف‌سازی در قلمرو کیفری برداشته شوند.

۲. بدون امکان ارزیابی نسبت به مدرن‌سازی این نظام در سطح وسیع، آن‌گونه که در قانون شماره ۲۰۰۷-۱۱۹۸ مصوب ۱۰ اگوست ۲۰۰۷ ابراز شده و سعی در اعمال مجازات‌های حداقلی در قبال بزهکاران مکرر کودک را داشته و به قاضی نیز چنین اجازه‌ای را داده است، امکان اجرای چنین رویکردی وجود ندارد.

یادگیری» معرفی کرده است. این ضمانت اجراها، گونه‌ای از مجازات هستند که با فرایند آموزش و تربیت از یک سو و سرکوب و مجازات از سوی دیگر ترکیب شده است (Vermelle, ۲۰۰۷: ۱۱۱۹). نخستین مورد از این دسته مجازات‌ها با دوره‌های آگاهی امنیت جاده‌ها در سال ۲۰۰۳ به عنوان مجازات تکمیلی پا به عرصه حقوق کیفری فرانسه گذاشته است. بعد از این تأسیس، دوره شهروندی در مورد مجازات‌های تأدیبی در خصوص اشخاص حقیقی در بند چهارم ماده ۱۳۱-۳ ق.م.ف در سال ۲۰۰۴ با قابلیت صدور توسط قاضی دادگاه به جای صدور حکم به حبس معرفی شد؛<sup>۱</sup> دوره آموزش شهروندی مزبور با هدف یادآوری ارزش‌های جمهوری فرانسه و تسامح در برخورد با محکوم و احترام به کرامت بشری که جامعه بر پایه آن بنا نهاده شده است، موضوع قرار گرفت (ماده ۱۳۱-۵-۱ ق.م.ف). در سال ۲۰۰۷ نیز دوره‌های آموزشی تکمیلی در خصوص خطرات استفاده از داروهای روان‌گردان و مخدر و آموزش مسئولیت والدین در ماده ۱۳۱-۳۵-۱ ق.م.ف به عنوان یک مجازات تکمیلی ایجاد شد.<sup>۲</sup> این تمییز و ایجاد دگرگونی نه تنها ابهام‌هایی را در خصوص تشخیص رژیم حاکم بر این ضمانت اجرا ایجاد کرده، بلکه با توجه به معنا و مفهومی که از اقدامات تأمینی در مکتب تحقیقی و دفاع اجتماعی نوین سراغ داریم، آن‌ها را در چارچوب جدیدی با هدف نظارت و کنترل حالت خطرناک قرار داده است. (Pin, ۲۰۰۹: ۱۳)<sup>۳</sup> بنابراین، به منظور مسئول قلمداد کردن والدین در فرایند آموزش، اساساً ایده جایگزینی تعقیب والدین به واسطه تقصیر صغار به عنوان اقدام صائب ذیل فصل ششم (تعرض‌ها به کودکان و نوجوانان و خانواده) پذیرفته شده (ماده ۲۲۷-۱۷ ق.م.ف) که در این فرضیه

۱. شایان ذکر است که گذراندن دوره‌های آموزش حقوق شهروندی به عنوان یک مجازات تکمیلی در قانون مجازات فرانسه

مورد اشاره قرار گرفته است. بنگرید به: بند ۸ ماده ۱۳۱-۱۶ ق.م.ف

۲. این قانون پیش‌تر سیستم حمایت والدین را نیز ایجاد کرده است. بنگرید به:

Code de l'action sociale et des familles, art. L. ۱۴۱-۱ et L. ۱۴۱-۲.

۳. به صورت خاص و در ارتباط با امکان یا عدم امکان اجرای دوباره این تدبیر به عنوان یک مجازات، هنوز هم تردیدهایی

علی‌رغم بازنویسی ماده ۲۲۳-۸ وجود دارد.

کودکان بیکاری که مرتکب اقدامات ضداجتماعی یا بزهکاری می‌شوند، موضوع قرار می‌گیرند.<sup>۱</sup> این مسئله به عنوان یک مجازات (تکمیلی) در قانون شماره ۲۹۷-۲۰۰۳ مصوب ۵ مارس ۲۰۰۳ (ماده ۱۳۱-۳۵-۱ ق.م.ف) پیش‌بینی شده، بدون این‌که توسط آیین‌نامه‌ها تعریف شده باشد. اخیراً در ایران، کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی لایحه‌ای با مضمون مشابه آنچه در حقوق فرانسه با آن مواجه هستیم در قالب گزارش یک شوری در دستور شماره ۷۶ مورخ ۹۶/۱۱/۱۵ و اصلاحیه ۱۳۹۷/۵/۹ تصویب و در راستای ماده ۱۴۷ قانون آیین‌نامه داخلی به مجلس تقدیم شده است. لایحه مزبور با عنوان «حمایت از کودکان و نوجوانان» و در ماده ۴۳ لایحه برای والدین کودک و نوجوان - که بر اساس ماده ۱ همین لایحه به افراد زیر ۱۸ سال اطلاق می‌شود، الزام به شرکت در دوره‌های آموزشی و اخذ گواهی را پیش‌بینی کرده است. ماده مزبور ابراز می‌دارد: «در تمام موارد موضوع این قانون قاضی رسیدگی‌کننده می‌تواند در کلیه مراحل رسیدگی والدین اولیا یا سرپرست قانونی اطفال و نوجوان یا سایر اشخاص مرتبط با پرونده را ملزم به شرکت و اخذ گواهی دوره‌های آموزشی حقوق اطفال و نوجوانان کنند» (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۷).<sup>۲</sup>

در این لایحه که مراحل نهایی تصویب خود را سپری می‌کند، در واقع با نوعی واکنش در مورد والدین کودکان و نوجوانان بزهکار مواجه هستیم که مسئولیت اقدامات آنان را در تعلل در حفظ و مراقبت مستلزم نوعی اقدام تأمینی و تربیتی در قالب «گذراندن دوره‌های آموزشی حقوق اطفال و نوجوانان» کرده که ضمانت اجرای عدم رعایت آن تدابیری سرکوبگر در قالب مجازات خواهد بود.

۱. ماده ۲۲۷-۱۷ قانون مجازات فرانسه اشعار می‌دارد: «عمل پدر و مادر قانونی، طبیعی یا پدرخوانده و مادر خوانده بدون توجه قانونی، شانه خالی کردن از تعهدات قانونی خود در حفظ سلامت، امنیت، اخلاق یا آموزش کودک صغیرشان مستوجب

دو سال حبس جنحه‌ای و سی هزار یورو جزای نقدی است...»

۲. لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان.

## ۲-۲. دستورات درمانی و نظارت قضایی

علاوه بر تنبیه مرتکب رفتار بزهکارانه، یکی دیگر از فلسفه‌های تعیین ضمانت اجرا در حقوق کیفری که همواره در دستور کار قانون‌گذار بوده، بهره‌مندی از سازوکارهای غیرکیفری است که گاهی حتی خارج از دایره ضمانت اجراهای مرسوم حقوق کیفری و در قالب دستورات مراقبتی یا درمانی صادر می‌شوند. در فلسفه تعیین این ضمانت اجرا، قانون‌گذار بر این باور است با اتخاذ اقدامات معتدبه می‌توان هم‌زمان مرتکب را هم مجازات و هم درمان کرد. این تجربه از دوگانه‌سازی در سال ۱۹۹۸ با ایجاد سیستم نظارت قضایی-اجتماعی توسط قانون‌گذار فرانسه ایجاد و عملیاتی شد و در بسیاری از زمینه‌ها نیز موفق عمل کرد (۲۰۱۰: n<sup>۳۳</sup>: Salvage). مجازات تکمیلی نظارت قضایی-اجتماعی برای نخستین بار به‌وسیله قانون ۱۷ ژوئن ۱۹۹۸ به منظور تشویق به درمان بزهکاران جنسی و پیشگیری از جرم توسط قانون‌گذار به وجود آمد (ماده ۱۳۱-۳۶-۱ ق.م.ف) (Lavielle, ۱۹۹۹: ۴۸; Castaignède, ۱۹۹۹: ۲۳). طرح عباراتی همچون «مجازات غیرمشابه با مجازات‌های دیگر»،<sup>۱</sup> «مجازات‌های علاوه بر مجازات اصلی»<sup>۲</sup>، «مجازات‌های ناظر به آینده»<sup>۳</sup> و «هم مجازات و هم اقدام تأمینی»<sup>۴</sup> مؤید نگاه دوگانه به این سازوکار است (Couvrat, ۱۹۹۹: ۳۷۶). این اقدام و تدبیر نظارتی در آغاز در مورد بزهکاران جنسی مورد استفاده قرار گرفت و قضات به واسطه اصل قانونمندی در عمل از توسعه قلمروی آن منع شده بودند (۲۰۰۴: no ۴۷: ۱۸ févr. Crim.). دلیل این امر، نوع نگرش امنیت محور قانون‌گذار فرانسه به مدیریت خطرناکی بزهکاران مزبور است. با این وجود، از سال ۲۰۰۵، قانون‌گذار به آرامی قلمرو این تدبیر را گسترش داد و آن را به جرائم دیگری که در آن‌ها مرتکبین از خود خطرناکی بروز می‌دادند - به ویژه

۱. Une peine pas comme les autres

۲. Une peine en plus

۳. Pour plus tard

۴. Peine et mesure de sûreté

جرائمی که تعرض به جان افراد موضوع قرار می‌گرفت (بند ۱ ماده ۲۲۱-۹ ق.م.ف.)، کودک ربایی و بازداشت غیرقانونی (ماده ۲۲۴-۱۰ ق.م.ف.) یا تخریب عمدی و توهین (مواد ۳۳۲-۶، ۳۳۲-۱۱ و ۳۲۲-۱۸ ق.م.ف.)- تسری داد. از سال ۲۰۰۷ نیز نظارت اجتماعی-قضایی تقریباً قریب به اتفاق جرائم خشونت‌آمیز (بند ۱ ماده ۲۲۲-۴۸ ق.م.ف) و نیز زمانی که اقدامات خشونت‌آمیز به عادت باشد، به صورت اجباری موضوع حکم دادگاه قرار گرفته است.<sup>۱</sup> در حقوق ایران این ضمانت اجرای کیفری در فصل هفتم از بخش نخست قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ تحت عنوان «قرارهای تأمین و نظارت قضایی» مورد اشاره قرار گرفته و قانون‌گذار با تحت نظارت قضایی قرار دادن متهم در قالب «معرفی نوبه‌ای خود به مراکز یا نهادهای تعیین شده توسط بازپرس» که می‌تواند در قالب «دستورات درمانی» و معرفی به مراکز درمانی باشد، علاوه بر نظارت بر متهم، نسبت به تعیین ضمانت اجرای معتدبه تصمیم مقتضی را اتخاذ کند. همچنین در ماده ۵۵۳ از همین قانون، آمیزه‌ای از نظارت قضایی و دستورات درمانی را به صورت تلفیقی می‌توان مشاهده کرد؛ به موجب این ماده، در جرائم مشمول نظام نیمه آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی، قاضی اجرای احکام کیفری می‌تواند پس از وصول گزارش شورای طبقه‌بندی زندان و نظریه مددکاران اجتماعی معاونت اجرای احکام کیفری، مبنی بر آنکه اجرای یک فعالیت شغلی یا حرفه‌ای، آموزشی، حرفه‌آموزی، مشارکت در تداوم زندگی خانوادگی و یا درمان پزشکی، از سوی محکوم‌علیه در خارج از محیط زندان، در فرآیند اصلاح وی و یا جبران ضرر و زیان بزه دیده مؤثر است، به دادگاه صادرکننده حکم، پیشنهاد اجرای نظام نیمه آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی را طبق مقررات راجع به دادرسی الکترونیکی دهد و مطابق تصمیم این دادگاه اقدام کند.

۱. به جز در مواردی که دادگاه حکم به محکومیت زندان و تعلیق آن با آزادی مشروط می‌دهد یا دادگاه کیفری تشخیص دهد، تدابیر مزبور ضرورتی ندارد، دادگاه در مورد حکم قرار دادن این سازوکار مختار است.

در حقوق فرانسه، نمادین‌ترین قرار ذیل این عنوان، قرار (دستور) مراقبت است که به روشنی حکایت از دوگانه‌سازی ضمانت اجراهای کیفری در حقوق کیفری فرانسه دارد (ابراهیمی، ۱۳۸۸: ۳۴). اساساً این قرار، اختیاری است و قانون ۱۰ آگوست ۲۰۰۷ آن را در راستای مقابله با تکرار جرم بزهکاران بزرگسال و کودک تعبیه کرد، ولی از ۱ مارس ۲۰۰۸ در مورد تمام محکومینی که احتمال تکرار جرم توسط آنان تصور می‌شد به صورت نظام‌مند موضوع قرار گرفته است.<sup>۱</sup> مسلماً حقوق کیفری نمی‌تواند هیچ‌یک از انواع تدابیر درمانی را در مورد محکوم بدون رضایت وی اعمال کند.<sup>۲</sup> به نظر چنین رضایتی در مورد محکوم مخدوش باشد (Pin, ۲۰۰۷: ۲۷)، زیرا در صورت اجتناب وی از پذیرش دوره درمان، در این صورت حبس اولیه مورد حکم می‌بایستی توسط قاضی اجرای مجازات‌ها اعمال شود (ماده ۱۳۱-۳۶-۱ ق.م.ف.) (Salvage, ۲۰۰۶: ۴۶).

در حقوق کیفری ایران نیز قانون‌گذار در ماده ۲۴۷ آ.د.ک. در مبحث قرارهای تأمین، قرار نظارت قضایی را مطرح کرده است که گرچه شباهت بسیاری با مجازات تکمیلی موضوع ماده ۲۳ ق.م.ا. دارد، اما از حیث این‌که پیش از صدور حکم توسط بازپرس به‌تنهایی صادر می‌شوند قابل تأمل است. بر این اساس نظارت، بسته به کارکرد آن برای کشف، پیشگیری از جرم و جایگزینی حبس می‌تواند بار معنایی خاصی داشته باشد و با توجه به هدفی که برای آن لحاظ می‌شود، ماهیت متفاوتی (مجازات یا اقدام تأمینی) به خود بگیرد (حیدری، ۱۳۹۷: ۱۳۱). در این مقام، بازپرس مکلف شده است مانع مخفی و یا متواری شدن متهم و در نهایت مانع آشفتگی و اختلال در رسیدگی کیفری از طریق صدور قرارهای تأمینی یا نظارت قضایی بشود (مسعودی مقام و امیری، ۱۳۹۷: ۸۸)؛ اما

۱. این تدابیر هم توسط دادگاه صادرکننده حکم بعد از بررسی‌های پزشکی (ماده ۱۳۱-۳۶-۴ ق.م.ف.) و هم توسط قاضی اجرای مجازات‌ها در مواردی که شخصیت محکوم در طول سپری کردن محکومیت تغییر کرده باشد (ماده ۷۶۳-۳-۳ ق.آ.د.ک.ف.) مورد حکم قرار گیرد.

۲. این پیش‌شرط در تمامی موارد حائز اهمیت است و در قانون ۱۰ مارس ۲۰۱۰ به منظور کاهش ریسک مجرمین مکرر مورد استفاده قرار گرفته است. دوره مراقبت ممکن است شامل توصیه به حضور نزد پزشک جهت درمان خنثی‌کننده (سائقه) جنسی بر اساس ماده ۳۷۱۱-۳ قانون بهداشت عمومی شود (ماده ۷۰۶-۴۷-۱ ق.آ.د.ک.ف.).



عملاً آنچه در ماهیت با آن مواجه هستیم - چه در قرارهای تأمین سنتی و چه در قرار تأمین نظارت قضایی - ماهیت قرارهای صادره، قالب مجازات به خود گرفته و به گونه‌ای با مجازات‌های تکمیلی موضوع ق.م.ا همپوشانی پیدا می‌کنند. از همین رو، در مواجهه با قرارهای تأمین با سازوکار دوگانه اقدامات تأمین و مجازات (در معنای اعم آن) مواجه هستیم (ممنوعیت از نگهداری سلاح مجاز، معرفی نوبه‌ای به مراکز و نهادهای تعیین شده). در این میان، قرار عدم خروج از کشور به عنوان یکی از قرارهای تأمین در حقوق ایران که تأمین جدید و مضاعفی نیست، به عنوان اقدامی در جهت سلب یکی از حقوق متهم بوده و شاید بتوان ماهیتاً آن را اقدامی تأمین دانست (مسعودی مقام و امیری، ۱۳۹۷: ۱۰۲). بر این اساس این گونه به نظر می‌رسد، استفاده از دوگانه مجازات، اقدامات تأمین (چه در قالب مجازات مستقل و چه در قالب مجازات تکمیلی) نشان از گرایش قانون‌گذار ایران به کنترل و مدیریت خطر مجرمین خطرناک است.

### ۳. ضمانت اجرای منبث از جرم‌شناسی امنیتی محور

امروزه بر اساس آنچه به عنوان ایدئولوژی امنیت‌گرا از آن یاد می‌شود قانون‌گذار، اقدامات تأمین پس از ارتکاب جرم علیه افراد به اصطلاح خطرناک را چند برابر کرده است. از جمله این موارد نظارت قضایی مندرج در قانون شماره ۱۲ است که در دسامبر سال ۲۰۰۵ تصویب شد که بر اساس نظر شورای قانون اساسی<sup>۱</sup> «نه ضمانت اجرای خاص کیفری و نه مجازات» (Cons. const. ۸ déc. ۲۰۰۵, no. ۲۰۰۵-۵۲۷; Rouvillois, F. Bailly, et Colloques, ۲۰۰۵) بلکه تحت رژیم اقدامات تأمین است (Cass. crim. ۲۱ janv. ۲۰۰۹: ۵۶۶)؛ نظارت تأمین که در ۲۵ فوریه سال ۲۰۰۸ توسط قانون پیش‌بینی شده علی‌رغم جدید بودنش، مشابه مورد ذکر شده است؛ اما در سال

۱. Constitutional Council

۲۰۰۸، قانون‌گذار از این حد نیز فراتر رفت و احکامی را وضع کرد که حداقل از دیدگاه قانونی تا حدودی نامفهوم و نامشخص‌اند و می‌توان از آن‌ها به عنوان احکامی غیرعادی یاد کرد. این احکام نه به‌طور کامل در دسته‌بندی مجازات‌ها هستند و نه اقدامات تأمینی، بلکه دارای ویژگی‌هایی از هر دو هستند. این موضوع در حقوق کیفری ایران نیز فاقد صبغه نیست به‌گونه‌ای که آثار آن را در ماده ۴۸ مکرر ق.م.ا سابق مصوب ۱۳۸۷ نیز می‌توان مشاهده کرد. ماده‌ای که در واقع تعیین ضمانت اجرا برای مرتکبین پرخطر در راستای مدیریت خطر آن‌ها سوگیری شده بود. تصویب ماده فوق، حاکی از توجه سیاست‌گذاران جنایی به اهمیت نظارت بر مجرمان پرخطر در عدالت کیفری بود (نجفی ابرندآبادی و ایارگر، ۱۳۹۳: ۱۰). در این رویکرد، با هدف کنترل بزهکاری و کاهش آن به سطح قابل تحمل و برای دفاع و حفاظت از جامعه، مجرمان خطرناک باید مشمول تدابیر نظارتی و ناتوان ساز کیفری و سایر مجرمان، مشمول تدابیر ناتوان‌ساز غیرکیفری و تدابیر پیشگیرانه وضعی قرار گیرند (پاک‌نهاد، ۱۳۸۸: ۱۸). در این دیدگاه نظارت، به عنوان یک تدبیر یا اقدام تأمینی مورد تأکید است. حال آنکه در تبصره‌های آن، عدم رعایت دستورات ماده ۲۹ را با مجازات حبس همراه کرده که حکمی غیرعادی تلقی می‌شود. به‌طورکلی این احکام غیرعادی را می‌توان در دو قسمت بازداشت تأمینی و ممنوعیت‌های تأمینی مورد بحث قرار داد.

### ۳-۱. بازداشت تأمینی

احکام بازداشت تأمینی (قبل و بعد از وقوع جرم) به روشنی نشان‌دهنده روند دوگانه‌سازی ضمانت اجرای‌های کیفری هستند. دلیل این امر این است که این احکام ترکیبی از مفهوم اصلاح و اجرای عدالت هستند (۸: ۲۰۰۷، Badinter) که در ایجاد «مراکز امنیتی اجتماعی - پزشکی - قضایی» مشهود است. بازداشت تأمینی که قبل از ارتکاب جرم تعیین می‌شود مشابه یک اقدام تأمینی است، اما در حقیقت تابع رژیم مجازات‌ها است؛ بازداشت تأمینی بعد از وقوع جرم نیز در صورت عدم انطباق فرد با

نظارت تأمینی قابل اعمال بوده و جنبه‌ی کیفری آن مشهود است، اما تا حدود زیادی ماهیت یک اقدام تأمینی را داراست.

توضیح این‌که بازداشت تأمینی پیش از ارتکاب جرم به واقع نوعی مجازات حبس است که در نهایت ممکن است به آزادی متهم ختم شود و صرفاً در راستای اهداف درمان پزشکی، اجتماعی و روان‌شناسی است (مواد ۷۰۶-۵۳-۱۳ تا ۷۰۶-۵۳-۲۱، ماده ۵۳-۸-۴۰ ق.آ.د.ک.ف.). در ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ ایران (بند د ماده ۲۱۷ و ۲۳۷ تا ۲۳۹ ق.آ.د.ک) نیز بازداشت موقت، قرار تأمینی است که به موجب آن متهم در تمام یا قسمتی از دوران تحقیقات مقدماتی و یا دادرسی زندانی می‌شود. این قرار شدیدترین نوع قرار تأمین کیفری بوده و صدور آن جایز نیست، مگر در جرائمی که عمدی و شدید همچون مجازات قانونی آن‌ها سلب حیات، حبس ابد یا قطع عضو و جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی که میزان دیه آن‌ها ثلث دیه کامل یا بیش از آن باشد، جرائم تعزیری که درجه چهار و بالاتر (ریاحی و مالیر، ۱۳۹۵: ۳). در حقوق فرانسه، این نوع حبس زمانی که این سازوکار در سال ۲۰۰۸ ایجاد شد، مختص مجرمانی بود که به دلیل قتل، شکنجه یا اعمال خشونت‌آمیز، تجاوز، کودک ربایی یا بازداشت غیرقانونی و یا جنایات‌های مشابه این موارد در مورد یک قربانی با سن قانونی به همراه عوامل مشدده، محکوم به حداقل ۱۵ سال حبس شده‌اند. پس از قانون ۱۰ مارس ۲۰۱۰، این ماده قانونی شامل مجرمانی که بدون عوامل مشدده در گذشته نیز مرتکب قتل، شکنجه یا اقدامات وحشیگرانه، تجاوز، کودک‌ربایی شده باشند نیز شده است (ماده ۷۰۶-۵۳-۱۵ ق.آ.د.ک.ف.). نوع نگرش به بازداشت تأمینی توسط قانون‌گذار فرانسه به مانند قانون‌گذار ایران توجه به حالت خطرناک مجرم با نظر به شدت جرم ارتكابی و سعی در مدیریت خطر وی است. به علاوه، قانون‌گذار در سال ۲۰۱۰، در ردّ تفسیر احکام صادره از سوی شورای قانون اساسی در ۲۱ فوریه ۲۰۰۸، این نکته را اضافه کرده است مجرمی که محکومیت خود را گذرانده اگر در طول مدت بازداشت خود موارد اصلاحی پزشکی، اجتماعی و

روانشناسی را گذرانده باشد، در مورد او می‌توان بازداشت تأمینی صادر کرد (مواد ۷۰۶-۵۳-۱۴ و ۷۰۶-۵۳-۱۵ ق.آ.د.ک.ف.).

در این میان مفهوم مشابه «تحت نظر» که همانند حبس - چه در حقوق ایران و چه حقوق فرانسه - گاهی به عنوان یک اقدام سالب آزادی (مجازات) در مدت زمان مشخص در فرایند کیفری قابل مطالعه است و گاهی به عنوان یک محل و مکان برای نگهداری فرد (اقدام تأمینی) تلقی می‌شود با عنوان تحت نظرگاه از جهت رعایت حداقل‌های حقوق بنیادین مفهوم مشابهی را از حیث آثار با بازداشت تأمینی به دنبال دارد (القاصی مهر، جانی‌پور، ابراهیمی، ۱۳۹۷: ۳۳)؛ آثاری که نمود خود را در دوگانه مجازات- اقدام تأمینی در موقعیت‌های مختلف نشان می‌دهد.

### ۲-۳. ممنوعیت‌های تأمینی<sup>۱</sup>

به نظر می‌رسد که محدودیت قانونی در خصوص عدم امکان مورد حکم قرار دادن ممنوعیت‌های تأمینی در مورد افراد فاقد مسئولیت به واسطه اختلال ذهنی با تصویب قانون ۲۵ فوریه ۲۰۰۸، مرتفع شده است، زیرا طبق این قانون می‌توان در قالب یک اقدام تأمینی، برخی ممنوعیت‌ها را در مورد افرادی که به دلیل ارتکاب جرم به واسطه اختلال ذهنی به عنوان غیرمسئول معرفی شدند، موضوع حکم قرار داد (مواد ۷۰۶-۱۱۹ تا ۷۰۶-۱۴۰ ق.آ.د.ک.ف.) (Pradel, ۲۰۰۸: n°۲۵; Matsopoulou, ۲۰۰۸: ۷). به سخن دقیق‌تر، هیئت تحقیق و تفحص یا دادستانی‌ها اختیار دارند برای شخص غیرمسئول از لحاظ کیفری، نه تنها برای بستری شدن در بیمارستان (بر اساس وضعیت فرد) اتخاذ تصمیم کنند (ماده ۷۰۶-۳۵ ق.آ.د.ک.ف.)، بلکه مجموعه‌ای از «تدابیر و اقدامات تأمینی» را نیز در نظر گیرند که شامل منع ملاقات با بزه‌دیده، منع رفتن به مکان‌های خاص و منع حمل یا نگهداری اسلحه و غیره می‌شود (مواد ۷۰۶-۱۳۶ تا ۷۰۶-۱۳۹ ق.آ.د.ک.ف.)؛ اما به نظر می‌رسد که این ممنوعیت‌ها برخلاف نامشان، مجازات واقعی

۱. Les interdictions de sûreté

هستند. در رأی صادره ۲۱ ژانویه ۲۰۰۹ دادگاه تجدیدنظر کیفری فرانسه نیز با نگاهی تأمل برانگیز به این موضوع نگریسته و از اجرای فوری این احکام در مورد اشخاص غیرمسئول خودداری کرده است؛ دلیل این امر به این جهت است که احکام مزبور در واقع نوعی مجازات بوده که صرفاً در تعریف، فاقد وصف عطف بماسبق شدن می- شدند، اما در بقیه موارد تابع رژیم مجازات‌ها بوده‌اند (Crim. ۲۱ janv. ۲۰۰۹, JCP). در کمتر از یک ماه، با تغییر رویه دادگاه مزبور در ۱۶ دسامبر ۲۰۰۹، اقدامات تأمینی مزبور به عنوان احکامی بلامانع و فوری قابلیت اجرا پیدا کردند (Cass. crim. ۱۶. ۲۰۰۹. déc.). این تصمیم از سوی دیدگاه‌ها و گروه‌های اکثریت مورد استقبال قرار گرفت، زیرا با اصل عطف بماسبق نشدن قوانین کیفری سازگاری بیشتری داشت. این موضوع از نقطه نظر اصول کلی حقوق کیفری نیز قابل توجیه است، زیرا نمی‌توان پذیرفت که مجازات‌های واقعی در خصوص افراد فاقد مسئولیت کیفری اجرا شود. غافل از اینکه قانون‌گذار به دنبال مدیریت خطر بزه‌کاران و سیاست‌گذاری کلان کیفری ورای از مسئول و غیرمسئول تلقی کردن وی به واسطه آثاری که بر جامعه دارد، است. ضمانت اجراهای ماده ۷۰۶-۳۶ در ق.آ.د.ک.ف، در مقایسه با ضمانت اجراهای اقدامات تأمینی قانون مجازات این کشور دارای مقبولیت بیشتری است و بنابراین امکان انتخاب ضمانت اجراهای عقلانی‌تری را فراهم می‌کند. به‌علاوه کافی است که به مقایسه و بررسی جزء به جزء ماده ۷۰۶-۳۶ ق.آ.د.ک.ف. با مواد ۱۳۱-۶ یا ۱۳۱-۱۷ ق.م.ف؛ که شامل «مجازات»های محدودکننده یا محروم‌کننده از حق هستند پرداخت تا دریابیم که بین همه آن‌ها همپوشانی کلی وجود دارد.

#### ۴. تعویق صدور حکم با دستور قضایی (ضمانت اجرای تأمینی با آثار مجازات)

همان‌طور که طبیعت هر ترکیبی ممکن است معایبی داشته باشد، پاسخ‌های در قالب دوگانه‌سازی نیز عاری از ایراد نخواهند بود، به گونه‌ای که ممکن است یا دارای ضعف باشند و یا به کلی فاقد اثر مطلوب باشند. دلیل چنین موضوعی این است که

قانون‌گذار زمانی که در نظر می‌گیرد که به جای مجازات، از یک روش جایگزین استفاده کند، نخست می‌بایست اثرات آن را در نظر گیرد. دوم این‌که به قاضی اختیار تجمیع مجازات تکمیلی را با مجازات اصلی می‌دهد، بدون این‌که این اقدام، سبب تحمیل نوعی مجازات مضاعف بر مرتکب شود (Saas, ۲۰۰۴, n<sup>o</sup>۲۶۷).

یکی از مؤلفه‌های ترکیبی در باب ضمانت اجراهای کیفری، تعویق صدور حکم با دستور قضایی است. همان‌گونه که یکی از صاحب‌نظران حقوق کیفری فرانسه اشاره کرده است، تعویق صدور حکم به همراه یک دستور قضایی «ماهیتی دوگانه» دارد (Saas, ۲۰۰۴, n<sup>o</sup>۲۶۷). زیرا هم نوعی معافیت از کیفر و هم نوعی مجازات کیفری است. این نوع تعویق، در مواد ۱۳۲-۶۶ تا ۱۳۲-۷۰ ق.م.ف. پیش‌بینی شده است (همچنین مواد ۱-۶۹، ۵۳۹، ۷۳۴ و ۷۴۷-۴ ق.آ.د.ک.ف) تعویق صدور حکم در قالب قرار در مورد مجرمین، تنها میزان خاصی از ضمانت اجراهای ترمیمی را در نظر می‌گیرد. این مورد به‌خصوص در قوانین ناظر به حقوق مصرف‌کننده و حقوق محیط‌زیست دیده می‌شود. به عنوان مثال، این ضمانت اجرا برای مدت مشخصی، در خصوص مدیران کارخانه تولیدکننده مواد آلاینده اعمال می‌شود تا در این مدت زمان، اصلاحات لازم جهت رسیدن به شرایط مطلوب را انجام دهند. در این موارد که قانون یا آیین‌نامه‌ها مقرر می‌دارند، ممکن است قرار، به عنوان یک مجازات در نظر گرفته شود؛ لذا دادگاه مدت زمان و میزان الزام را تعیین خواهد کرد (ماده ۱۳۲-۶۷ ق.م.ف.)، اما نمی‌تواند پس از اعلام تغییری در آن‌ها ایجاد کند. با این حال، در این مدت زمان که حداکثر تا یک سال به طول می‌انجامد (پاراگراف ۴ ماده ۱۳۲-۶۹ ق.م.ف.) سه وضعیت ممکن است به وجود آید که نشان از ناکارآمدی این اقدام است: الف. در فرض این‌که دستورات صادر شده توسط فرد اجرا نشوند، دادگاه در صورت مقتضی مانع اجرای دستور به الزام شده، کیفرها را مورد حکم قرار دهد (پاراگراف ۳ ماده ۱۳۲-۶۹ ق.م.ف.)؛ ب. اگر دستورات صادر شده اجرا شوند اما این اجرا با تأخیر صورت پذیرد، دادگاه در صورت نیاز مانع اجرای دستور به الزام شده و کیفر پیش‌بینی شده به موجب

قانون یا آیین‌نامه را مورد حکم قرار می‌دهد (پاراگراف ۲ ماده ۱۳۲-۶۹ ق.م.ف.)؛<sup>۱</sup> ج. در جلسه رسیدگی هنگامی که دستورات برشمرده شده به موجب دستور دادگاه ظرف مهلت تعیین شده اجرا شده باشد، دادگاه می‌تواند خواه با معافیت بزهکار از کیفر و خواه با اعلام کیفرهای پیش‌بینی شده به موجب قانون یا آیین‌نامه مبادرت کند (پاراگراف ۱ ماده ۱۳۲-۶۹ ق.م.ف.). همین وضعیت را در حقوق ایران و در مواد ۴۲ تا ۴۵ ق.م.ا. می‌توان مشاهده کرد؛ به این صورت که دادگاه وفق ماده ۴۳ و ۴۲ همین قانون می‌تواند به یکی از دستورات ذیل ماده حکم داده و اجرای یک یا چند دستور را از فرد بخواهد. در این وضعیت بنا بر ماده ۴۴ ق.م.ا. اگر در مدت تعویق، فرد مرتکب جرم جدیدی (حد، قصاص، جنایات عمدی موجب دیه یا تعزیر تا درجه هفت) شود، دادگاه به لغو قرار تعویق اقدام و حکم محکومیت صادر می‌کند. همچنین در صورت عدم اجرای دستورهای دادگاه، قاضی می‌تواند برای یک‌بار تا نصف مدت مقرر در قرار به مدت تعویق اضافه یا حکم محکومیت صادر کند؛ اما بنا بر ماده ۴۵ ق.م.ا. پس از گذشت مدت تعویق و با توجه به میزان پایبندی مرتکب به اجرای دستورهای دادگاه، گزارش‌های مددکار اجتماعی و نیز ملاحظه وضعیت مرتکب، دادگاه حسب مورد به تعیین کیفر یا صدور حکم معافیت از کیفر اقدام می‌کند (شمس ناتری، ۱۳۹۲: ۱۴۱-۱۴۲؛ آقای جنت‌مکان، ۱۳۹۳: ۱۱۶). لذا در حقوق ایران نیز به مثابه آنچه در قوانین کیفری فرانسه مشاهده می‌شود با ضمانت‌اجراهایی مواجه هستیم که ظاهری تأمینی داشته اما با ویژگی‌های مجازات‌ها منطبق است و غرض قانون‌گذار را از نیل به هدف تأمینی خود باز می‌دارد؛ بنابراین پرواضح است که قراری که به دنبال نیل به هر دو جنبه‌ی معافیت از کیفر و هم اعمال مجازات است را هرگز نمی‌توان به صورت خاص یک مجازات قلمداد کرد. این پاسخ، ضعف‌های زیادی خواهد داشت به گونه‌ای که می‌توان در مورد درستی و کارایی اتخاذ آن از سوی قانون‌گذار دچار تردید شد.

۱. در این میان دادگاه عدم اجرا یا تاخیر در اجرای دستورات را به گونه‌ای که صادر کرده و در صورت مقتضی رخصداد احتمالی را که قابل استناد به بزهکار نیست مورد ارزیابی قرار می‌دهد (ماده ۱۳۲-۷۰ ق.م.ف.).

## ۵. ضمانت اجرای ترمیمی-بینابین<sup>۱</sup>

گاه قانون‌گذار با محوریت قرار دادن ضمانت‌های اجرایی که رویکردی ترکیبی دارند و لحاظ کردن آن‌ها در خصوص مرتکبین پاره‌ای از بزه‌های خاص (جنحه و خلاف) سعی بر آن دارند تا از رهگذر این ضمانت‌های اجرا ضمن اعمال نوعی کیفر بر مرتکب بزه، وی را وارد فرایندی ترمیمی کند (سیمامونتی، ۱۳۸۶: ۱۸۰). این مهم نه تنها در حقوق کیفری ماهوی بلکه در حقوق کیفری شکلی و آیین دادرسی در قالب بدیل‌های تعقیب کیفری نیز با عنوان «مصلحه کیفری» نیز قابل مشاهده است که به صورت مجزا هر یک را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

### ۱-۵. رویکرد مجازات-ترمیم

رویکرد مجازات-ترمیم، یکی از مدل‌های ترکیب گونه‌های ضمانت‌های اجرای کیفری از سوی قانون‌گذار است. این مجازات که پس از طی یک دوره طولانی شکل‌گیری در ۵ مارس ۲۰۰۷ مورد تصویب قرار گرفت (Ullmann et autres, ۱۹۹۰: ۱) در رابطه با جرائم از نوع جنحه (موضوع ماده ۱۳۱-۸-۱ ق.م.ف.)<sup>۲</sup> و تخلفات (موضوع ماده ۱۳۱-۱۵-۱ ق.م.ف.)<sup>۳</sup> است. این حکم هم در مورد اشخاص حقیقی و هم حقوقی قابل اجراست (مواد ۱۳۱-۳۹-۱، ۱۳۱-۴۴-۱ ق.م.ف.) و شامل تعهد (بدهی) فرد محکوم برای جبران خسارت بزه‌دیده یا اعاده (بازگردان وضعیت به حالت اول) در

۱. به زعم عده‌ای از صاحب‌نظران، «ضمانت اجرا-ترمیم» در ماده ۶۴ قانون پیشگیری از بزهکاری برای جرایم جنحه‌ای و جرایم خلافی تا درجه پنجم در قبال اشخاص حقیقی و حقوقی به عنوان «کیفر جدید» مورد استفاده قرار گرفته است.

۲. هنگامی که جنحه‌ای مستوجب حبس باشد، دادگاه می‌تواند به جای کیفر حبس جنحه‌ای محکوم را به یک دوره ۴۰ تا ۲۴۰ ساعت به انجام یک کار عام‌المنفعه بدون دستمزد به نفع یک شخص حقوقی حقوق عمومی یا مؤسسه‌ای که صلاحیت انجام کارهای عام‌المنفعه را دارد محکوم نکند. کیفر کار عام‌المنفعه نمی‌تواند علیه متهمی که آن را نپذیرفته یا کسی که در جلسه دادگاه حاضر نبوده مورد حکم قرار داد.

۳. کیفر جزای نقدی نمی‌تواند همراه با یک کیفر سالب یا محدودکننده حقوق برشمرده شده در ماده ۱۳۱-۱۴ ق.م.ف. مورد حکم قرار گیرد.



مدت زمان مشخص و طبق ادوار و شرایط اعلام شده از سوی دادگاه است. این موضوع ممکن است به طور هم‌زمان جایگزین حبس یا جریمه نقدی (تنها در مواقعی که خسارت مالی وارد شده باشد) شود؛ بنابراین، در اینجا با دوگانگی در پاسخ کیفری مواجه هستیم، زیرا این مجازات هم دارای جنبه ترمیمی و هم جنبه سرکوبگرانه است و می‌تواند هم به عنوان جایگزین و هم مجازات تکمیلی یا حتی یک مجازات تجمیعی مورد استفاده قرار گیرد. در واقع، ساختار دوگانه مجازات-ترمیم هم می‌تواند به عنوان مجازات جایگزین برای حبس (و حتی جزای نقدی) در نظر گرفته شود و هم منجر به الغای مجازات کیفری در پس ضمانت اجرای مدنی شود- در صورتی که قاضی تصمیم بگیرد مجازات جریمه نقدی را - زمانی که هم جزای حبس و هم جزای جریمه نقدی در مورد فرد قابل اعمال است- در نظر بگیرد؛ می‌تواند به مجازات کیفری اضافه کند (ماده ۱۳۱-۴۵ ق.م.ف.).<sup>۱</sup> بنابراین، می‌توان اذعان داشت دوگانه مجازات-ترمیم مرزهای بین مسئولیت مدنی و مجرمیت کیفری را کمرنگ می‌کند و ظاهراً به دوران کهن عدالت کیفری باز می‌گرداند - یعنی جایی که حقوق مدنی و حقوق کیفری از هم قابل تشخیص نبوده- (Ribeyre, ۲۰۰۷:۸۷۰) و به واقع نوعی سازوکار برای انتقام‌جویی بودند. از نگاه ما، دوگانه مجازات- جبران بیشتر از اینکه نشانگر روند رو به پیشرفت باشد به نوعی بازگشت به عقب محسوب می‌شود (سیمامونتی، ۱۳۸۶: ۱۸۰).

در حقوق ایران بازتاب معادل ضمانت اجرای مجازات- ترمیم با توجه به ماهیت جرائم و دسته‌بندی و فلسفه هریک از جرائم به سختی قابل تصور است. چه آنکه قانون‌گذار آنجا که به مجازات نظر داشته است، به دنبال ترمیم آلام بزه دیده نبوده و بالعکس آنجا که به دنبال ترمیم آثار جرم در قبال بزه‌دیده بوده سعی در کنار نهادن مجازات داشته است. نگاهی به فلسفه مجازات حدود و قصاص (سزادهی صرف)،

۱. زیرا در این مورد ضروری است فرایند مجازات-ترمیم و اصول آن رعایت شود. این فرایند مستلزم توافق بزه‌دیده و مجرم است و در این میان حضور محکوم یا متخصصی که به عنوان میانجی از طرف او وارد می‌شود و جبران خسارات وارده است. از همین رو ایجاد روابط حسنه میان بزه‌دیده و مرتکب جرم امری اجتناب‌ناپذیر است.

دیات (ترمیم صرف) تعزیرات (تنبیه توأم با جلب منفعت برای دولت در قالب محکومیت به جزای نقدی مجرم و...) حکایت از عدم تجمع این دو ضمانت اجرا در آن واحد دارد. شاید بتوان بازتاب این ضمانت اجرای دوگانه را در ماده ۶۱۲ ق.م.ا تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ و در فرضی متصور بود که فرد مرتکب قتل به علت گذشت شاکی خصوصی در یک فرایند ترمیمی، مشمول حکم ماده (حبس از سه تا ده سال) شود. آنچه بدیهی است این که ضمانت اجرای مزبور را شاید بتوان جایگزینی برای قصاص دانست تا حکم اولیه برای ارتکاب عمل مجرمانه.

#### ۵-۲. صلح و سازش کیفری<sup>۱</sup>

صلح و سازش و میانجیگری از دیرباز در حقوق ایران بین اقوام مختلف متداول بوده و قانون‌گذار ایرانی نیز به تبعیت از این رسم دیرینه، در قانون آ.د.ک. در جرائم خرد (جرائم تعزیری درجه شش تا هشت) نظر به امکان تحقق صلح و سازش کیفری و در راستای جبران خسارت بزه‌دیده تا تعقیب فوری متهم این نهاد را پیش‌بینی کرده و برای نیل به آن در ماده ۸۲ دو راه‌حل را به مقام قضایی پیشنهاد کرده است: ۱. اعطای مهلتی حداکثر دو ماهه به تقاضای متهم و موافقت بزه‌دیده برای تحصیل گذشته یا جبران خسارت او؛ ۲. ارجاع به میانجیگری با رضایت طرفین حداکثر به مدت سه ماه (آشوری، ۱۳۹۵: ۱۹۲).

در این میان، قانون‌گذار بین جرائم قابل گذشت و غیرقابل گذشت به تفکیک پرداخته است. در جرائم قابل گذشت حصول توافق بین متهم و بزه‌دیده طبق قواعد عمومی و پس از امضای صورت‌مجلس میانجیگری به صدور قرار موقوفی تعقیب منجر می‌شود. لیکن در جرائم غیرقابل گذشت در صورت گذشت شاکی یا جبران خسارت او و حصول توافق برای پرداخت و مشروط بر اینکه متهم فاقد سابقه کیفری مؤثر و موافق با تعلیق تعقیب باشد، مقام قضایی مجاز است تعقیب کیفری او را به مدت ۶ ماه

۱. La composition penale

تا ۲ سال به حالت تعلیق درآورد و حسب مورد او را مکلف به اجرای برخی از دستورات مقرر در ماده ۸۱ ق.آ.د.ک. با رعایت تبصره‌های آن کند (آشوری، ۱۳۹۵: ۱۹۳).

در حقوق کیفری فرانسه نیز صلح و سازش کیفری<sup>۱</sup> به عنوان اصلی بنیادین در فرآیند به رسمیت شناختن اصل لزوم تعقیب و مکمل آن مقتضی بودن تعقیب مورد پذیرش قرار گرفته است. این سازوکار، نوع دیگری از پاسخ دوگانه‌ای است که در نقطه تلاقی حقوق کیفری و آیین دادرسی کیفری قرار دارد. سازوکار صلح و سازش کیفری در قانون ۲۳ ژوئن ۱۹۹۹ فرانسه بیان شده است و مجازاتی با ماهیت تنبیهی محسوب می‌شود که از سوی مقام تعقیب قابل اعمال است (Poncela, ۲۰۰۳: ۱۳۹). هدف از این رویکرد این است که در صورت وجود دلایل و مستندات مسلم و قابل اتکا دادرسی برگزار نشود (آشوری، ۱۳۹۵: ۱۹۳). در این حالت، دادستان اختیار تعیین ضمانت اجرا را دارد و قاضی تنها به عنوان ناظر عمل می‌کند (خواه به عنوان تأییدکننده یا ارزیابی‌کننده یک دعوی کیفری). تدابیر اتخاذ شده از سوی دادستان عمومی جمهوری<sup>۲</sup> را به طور مشخص نمی‌توان به عنوان مجازات تلقی کرد اما شباهت فراوانی به آن دارد. باید یادآور شد که در این مورد، شورای قانون اساسی فرانسه در تاریخ ۲ فوریه ۱۹۹۵ این شباهت را یادآور شده است، زیرا مفاد حکم دقیقاً مشابه با تدابیر و احکامی بود که از سوی قاضی اعلام می‌شوند (Volf, ۱۹۹۵: ۲۰۲; Pradel, ۱۹۹۵: ۱۷۱). در حال حاضر

۱. پیشنهاد صلح و سازش کیفری در فرانسه به عنوان تدبیری شناخته می‌شود که به موجب آن به دادستان این اختیار داده می‌شود تا در فرآیند رسیدگی از جایگزین‌های تعقیب استفاده کند (ماده ۴۱-۲ قانون آیین دادرسی کیفری). این اقدام متعاقب صدور یک قرار کیفری در فرانسه صادر می‌شود و در آن به دادستان به موجب قانون اختیار داده می‌شود تا یک یا چند ضمانت اجرای کیفری را در خصوص اشخاص حقیقی که مرتکب جرم شده و آن را پذیرفته‌اند اعمال کند. این پیشنهاد ممکن است توسط فرد موضوع این تصمیم مورد پذیرش قرار گیرد یا رد شود.

۲. لیست این تدابیر و اقدامات روز به روز در حال رشد است. تدابیری همچون جریمه، مصادره اشیائی که در ارتکاب جرم به کار رفته، ممنوعیت رانندگی با وسایل نقلیه، استرداد پروانه شکار، الزام و تعهد به کار و خدمات عام المنفعه رایگان، تعهد به گذراندن یک دوره آموزشی یا خدمات در حوزه سلامت، ممنوعیت از اصدار چک، ممنوعیت از تردد در مکان‌های خاص، ممنوعیت ملاقات با بزه دیده، شرکا و معاونین جرم، ممنوعیت ترک قلمروی محل سکونت، تکمیل دوره آموزش حقوق شهروندی، مشارکت در فعالیت‌های روزانه، گذراندن دوره‌های آگاهی مواد مخدر یا حتی قرارهای ناظر به درمان فرد، جملگی به عنوان تدابیر قابل اتخاذ از سوی مراجع قضایی است.

نیز، نتایج حاصل از صلح و سازش کیفری، مشابه با مفاد و نتایج حاصل از مجازات-هایی است که توسط قضات دادگاه‌ها صادر می‌شود. در این حالت، صلح و سازش کیفری تا حدود زیادی مشابه با روند «مجرم شناختن مرتکب پیش از محاکمه» است (مواد ۴۹۵-۸ و بعد ق.آ.د.ک.ف.) (Saas, ۲۰۰۴:۸۲۷).

همان‌گونه که مشاهده می‌شود نوع نگرش به صلح و سازش در حقوق ایران و فرانسه از حیث نوع جرائم (جنحه‌ای و خلافی یا تعزیری درجه شش تا هشت) و نیز نوع برخورد و حدود اختیارات مرجع تعقیب و اختیارات قضایی وی متفاوت است. دستورات موضوع ماده ۸۱ ق.آ.د.ک. ماهیتاً اقدام تأمینی محسوب می‌شوند که تا حدود زیادی با مجازات‌های تکمیلی ذیل ماده ۲۳ ق.م.ا همپوشانی دارد؛ اما آنچه در این میان قابل بحث است مسئله محکومیت و امکان تشدید مجازات مرتکب در صورت ارتکاب جرم جدید است. اینجاست که تفاوت میان حقوق ایران و فرانسه آشکار می‌شود، زیرا بر اساس تبصره ۱ ماده ۸۱ ق.آ.د.ک. در صورتی که متهم در مدت تعلیق به اتهام ارتکاب یکی از جرائم مستوجب حد، قصاص یا تعزیر درجه هفت و بالاتر مورد تعقیب قرار گیرد و تعقیب وی منتهی به صدور کیفرخواست شود و یا دستورهای قضایی را اجرا نکند، قرار تعلیق لغو و با رعایت مقررات مربوط به تعدد، تعقیب به عمل می‌آید. حال آن‌که همان‌گونه که در حقوق فرانسه در رأی دادگاه تجدیدنظر کیفری به سال ۲۰۱۰، با توجه به ماهیت معامله اتهامی جرم در صلح و سازش کیفری، ارتکاب جرم جدید مانع از تحقق تعدد و تکرار جرم است.

### نتیجه‌گیری

دوگانه‌سازی ضمانت اجراهای کیفری سعی در آشتی دادن پارادایم‌های غیرقابل آشتی داشته و با هدف نزدیک‌تر کردن ساختار ضمانت اجراهای کیفری شکل گرفته است. این مدل ضمانت اجرا در بستر زمان از پوسته سخت حقوق کیفری ماهوی خارج شده و دامنه گسترش شاخ و برگ خود را به حقوق کیفری ماهوی و جرم‌شناسی

نیز پراکنده است. اثر این مدل در جرم‌شناسی امنیتی به این صورت نمود پیدا می‌کند که اقدامات تأمینی علی‌رغم داشتن رویکرد تربیتی و بازپرورانه، وارد در حوزه حالت خطرناک شده و به تعبیری ماهیت تربیتی، فرهنگی و آموزشی خود را از دست می‌دهند و به اقدامات تأمینی توان‌گیر تبدیل می‌شوند. همچنین مواردی قانون‌گذار از این اقدامات و تدابیر به صورت مستقل و در قالب مجازات اصلی، گاهی در عرض و توأم با مجازات اصلی و در قالب مجازات‌های تبعی و تکمیلی مورد حکم قرار می‌گیرند که ریشه آن‌ها را می‌توان در رویکرد قانون‌گذاران در مدیریت خطر بزهکاران مکرر جستجو کرد.

قانون‌گذار ایران به پیروی از قانون‌گذار فرانسه در محدود کردن اقدامات تأمینی و اختصاص آن به طیف محدودی از بزهکاران (افراد دارای اختلال روانی و کودکان) سعی در مقابله با آن‌ها در نظام واحدی با محوریت مجازات کرده است؛ اما قانون‌گذار فرانسه پا را فراتر از صرف واحدسازی نظام کیفری گذاشته و با ایجاد فرایند دوگانه‌سازی سعی در وارد کردن دوباره اقدامات تأمینی در حقوق کیفری نوین در قالب جدید خود با محوریت مدیریت خطر بزهکاران مزمّن کرده است. این مهم را شاید بتوان جدال میان سیاست کیفری امنیت‌مدار قانون‌گذار فرانسه و اصول کلی حاکم بر حقوق کیفری دانست که از یک‌سو با اولویت قرار دادن خطرناکی فرد و مدیریت حالت خطرناک وی از اقدامات تأمینی به عنوان ابزار کنترلی مجرمین استفاده کرده و از سوی دیگر ملاحظات حقوق بشری حاکم بر حقوق کیفری که تحمیل بیش از یک مجازات را برای فرد برای ارتکاب یک رفتار انسانی نمی‌داند، دانست. آنچه پرواضح است این‌که در برخی از مواردی که به آن اشاره شد (تدابیر تأمینی، تعویق صدور حکم، جزای نقدی روزانه، دوگانه مجازات - ترمیم) از پس این کار برنیامده و نتوانسته حدود و مرزهای این دو ضمانت اجرا را به درستی مشخص کند. قانون‌گذار ایران نیز در این میان در بسیاری از مواردی که در حقوق فرانسه در این مدل سیاست کیفری در باب ضمانت اجراها وجود دارد، منفعل عمل کرده و جز در موارد اندکی مانند نظارت

قضایی، دستورات درمانی و مجازات‌های آموزشی که در قوانین مختلف پیش‌بینی کرده است، موقعیت و مواضع مناسبی را در باب نظام‌مندسازی و قاعده‌مند کردن آن اتخاذ نکرده است.

در سیاست جنایی نوین فرانسه، ضمانت اجراهای کیفری پیوسته در حال ایجاد است که در آن‌ها مجازات‌ها و اقدامات تأمینی در یکدیگر تنیده یا با ترکیب دیگر گونه‌های ضمانت اجرا ماهیت نخستین خود را از دست داده و دچار تحول ساختاری شده‌اند. لذا قائل بودن به خلوص و وحدت نظام جزایی و واکنش کیفری در حقوق کیفری این کشور به طور کلی زیر سؤال رفته است. با این حال، درجه خاصی از شفافیت مفاهیم می‌بایستی به عنوان مبنا توسط قانون‌گذار مورد لحاظ قرار گیرد، زیرا هرگونه تفاوت در ماهیت در حقوق کیفری سبب بروز و ایجاد ماهیت و رژیم جدیدی در ابعاد مختلف آن خواهد شد. از این رو، این هنر حقوق کیفری و قانون‌گذار است تا بتواند این مفاهیم سهل و ممتنع را با حفظ تمایز میان یکدیگر با هم ترکیب کند. در این میان، قانون‌گذار ایران در بسیاری از موارد علی‌رغم پذیرش دوگانه‌سازی ضمانت اجراهای کیفری پا را فراتر از پذیرش قرار نداده و به اصول حاکم بر این سازوکار وقعی ننهاده است. برای نمونه به رغم پذیرش فرایند دوگانه مجازات- ترمیم یا جایگزین‌های تعقیب کیفری در قوانین (در قالب تعلیق تعقیب)، کارکردها و آثار ناشی از اجرای آن را به سکوت برگزار کرده است و صرفاً با مراجعه به حقوق کیفری فرانسه می‌توان به ابعاد دقیق‌تر آن پی برد.

به نظر می‌رسد در باب دوگانه‌سازی پاسخ‌های کیفری، قانون‌گذار بایستی قبل از انجام هرگونه آزمودنی، به خاطر داشته باشد که در اغلب اوقات، وجود رویکردهای مخالف مضر نیست و اینکه زیاده‌روی در تنوع‌بخشی و پیچیدگی پاسخ‌ها، موجب هدر رفت طولانی مدت زمان با آزمایش‌های از پیش معلوم و گاهی حرکت سریع در جهت معکوس است که نه تنها در راستای نیل نظام عدالت کیفری به عدالت کمکی نمی‌کند بلکه پسرفت و بی‌عدالتی را به دنبال خواهد داشت.

منابع

الف. فارسی

- آشوری، محمد (۱۳۹۵) **آیین دادرسی کیفری**، جلد اول، چاپ نوزدهم (ویراست پنجم)، تهران: انتشارات سمت.
- آقای جنت‌مکان، حسین (۱۳۹۳) **حقوق کیفری عمومی**، جلد سوم، چاپ دوم، تهران: انتشارات جنگل.
- پاک‌نهاد، امیر (۱۳۸۸) **سیاست جنایی ریسک مدار**، چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.
- ابراهیمی، شهرام (۱۳۸۸) «ارزیابی تحولات اخیر سیاست کیفری در قبال بزهکاران مزمن در پرتو موازین حقوق بشر (از مراقبت و تنبیه تا تنبیه و مراقبت)»، تهران: مجموعه مقالات اولین همایش ملی پیشگیری از جرم، پیشگیری از تکرار جرم و بزه دیدگی با تاکید بر نقش پلیس، صص ۱۴۲-۱۶۶.
- ابراهیمی، شهرام، ایزدی، عبدالله (۱۳۹۲) «مطالعه تطبیقی راهبردهای اصلاحی خارج از محیط کیفری ایران و کانادا»، **مجله حقوقی دادگستری**، ۷۷ (۸۴)، صص ۷-۴۰.
- القاصی مهر، علی، علی جانی‌پور و شهرام ابراهیمی (۱۳۹۷) «کنترل تحت نظر در حقوق کیفری ایران و فرانسه»، **پژوهشنامه حقوق کیفری**، سال نهم، شماره ۲ (پیاپی ۱۸)، صص ۳۱-۵۳.
- تاجمیر ریاحی، آرزو و محمود مالمیر (۱۳۹۵) «بررسی تحولات بازداشت موقت در نظام جدید دادرسی کیفری»، **نخستین همایش ملی علوم اسلامی حقوق و مدیریت**، قم: دانشگاه جامع علمی کاربردی استانداری قم، صص ۳۰۶-۳۳۰.
- تدین، عباس (۱۳۹۶) **قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه**، چاپ سوم، تهران: انتشارات خرسندی.
- حاجی‌تبار فیروزجائی، حسن (۱۳۸۷) «جایگاه جایگزین‌های حبس در نظام عدالت کیفری ایران (حال و آینده)»، تهران: **مجله حقوقی دادگستری**، ۷۲ (۶۴)، صص ۶۸-۸۸.

- حیدری، فریبرز (۱۳۹۷) «بررسی تطبیقی قرار نظارت قضائی در حقوق ایران و فرانسه»، تحقیقات حقوقی معاهده، شماره ۲، صص ۱۲۹-۱۵۸.
- دهشیری، مهدی (۱۳۸۴) «بررسی تاریخی تحولات اقدامات تأمینی و تربیتی»، ماهنامه اصلاح و تربیت، سال چهارم شماره ۴۱، پیاپی ۱۲۶، صص ۵-۱۵.
- رهامی، محسن (۱۳۷۷) مطالعه تطبیقی اقدامات تأمینی و تربیتی در حقوق اسلام و حقوق موضوعه ایران، به راهنمایی ابوالفتح وزیری، رساله دکترا، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- سیمامونتی، سیلوی (۱۳۸۶) «جهت‌گیری‌های اخیر حقوق کیفری صغار فرانسه درباره قانون ۵ مارس ۲۰۰۷ راجع به پیشگیری از بزهکاری»، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، فصلنامه علمی پیشگیری از جرم، (۴)، صص ۱۳۷-۱۸۰.
- شمس ناتری، محمدابراهیم و دیگران (۱۳۹۲) قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی، چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.
- قاسمی، ناصر (۱۳۷۱) اقدامات تأمینی و تربیتی در حقوق کیفری ایران، به راهنمایی محمدعلی اردبیلی، پایان‌نامه کارشناس ارشد، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- گودرزی بروجردی، محمدرضا (۱۳۹۵) درآمدی بر قانون مجازات فرانسه، چاپ اول، تهران: انتشارات خرسندی.
- مسعودی مقام، اسدالله و میلاد امیری (۱۳۹۷) قرارهای نظارت قضایی در قانون آیین دادرسی کیفری ایران و فرانسه، چاپ اول، تهران: انتشارات خرسندی.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۱) از جرم‌شناسی انتقادی تا جرم‌شناسی امنیتی، تقریرات درس جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین و حسین ایارگر (۱۳۹۳) «نظارت بر مجرمان خطرناک: چالش‌ها و راهکارها»، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، ۶-۲، صص ۹-۳۷.



## ب. فرانسه

- Al Shouli, Khaled (۲۰۱۰) L'hospitalisation de personnes détenues atteintes de troubles mentaux. **Droit, Déontologie & Soins**, ۱۰(۳). ۲۶۷-۲۷۲
- Badinter, Robert (۱۹۸۸) **Projet du nouveau Code pénal**, présentation du projet, Paris: ed. Recueil Dalloz.
- Bonfils, Philippe (۲۰۰۷) **Les dispositions relatives au droit pénal des mineurs délinquants dans la loi prévention de la délinquance**, Paris: Recueil Dalloz.
- Bonfils, Philippe (۲۰۰۹) Présentation des préconisations de la commission Varinard, Paris: **AJ Pénal**. ۹-۴۵.
- Castaignède, Jocelyne (۱۹۹۹) Le suivi socio-judiciaire applicable aux délinquants sexuels ou la dialectique sanction-traitement. **Recueil Dalloz**, Chronique, ۲۳-۴۶.
- Couvrat, Pierre (۱۹۹۹) Chronique de l'exécution des peines. Le suivi socio-judiciaire, une peine pas comme les autres. **Revue de science criminelle et de droit pénal comparé**. ۳۷۶-۳۸۳.
- Danet, Jean (۲۰۱۰) Les politiques sécuritaires à la lumière de la Défense sociale nouvelle, **Revue de science criminelle et de droit pénal comparé(RSC)**. 49-67.
- Déchenaud, David (۲۰۰۷) **L'égalité en matière pénale**, (Doctoral dissertation), Sous la direction de Patrick Maistre du Chambon. Grenoble ۲.
- Defferrard, Francis (۲۰۰۹) La dénaturation du plaider coupable (après la loi n<sup>o</sup>۲۰۰۹-۵۲۶ du ۱۲ mai ۲۰۰۹, de simplification et de clarification du droit et d'allègement des procédures), **Dr. pénal**, étude n<sup>o</sup>۱۳. ۵۲۶-۵۴۲.
- Delmas-Marty, Mireille (۲۰۰۷) **Réflexions sur l'hybridation en procédure pénale: nécessité du droit comparé à l'heure de l'internationalisation penale**; mélanges B. Bouloc ,Dalloz.
- Desportes, Frédéric, Francis Le Gunehec (۲۰۰۹) **Droit pénal general**, **Economica**, Corpus droit privé, ۱۶ème éd. n<sup>o</sup>۱۰۱۰.
- Joseph-Ratineau, Yannick (۲۰۱۷) **La privatisation de la répression pénale** (Vol. ۱)Paris: Editions Publibook.
- Lavielle, Bernard (۱۹۹۹) Surveiller et soigner les agresseurs sexuels: un des défis posés par la loi du ۱۷ juin ۱۹۹۸. **Revue de science criminelle et de droit pénal comparé(RSC)**, (۱). ۳۵-۴۸.
- Lazerges, Christine (۲۰۰۸) La rétention de sûreté: le malaise du Conseil constitutionnel. **Revue de Science Criminelle et de Droit Pénal Comparé**, (۳). ۷۳۱-۷۵۷.

- Lévy, Thierry (۲۰۰۹) Y a-t-il encore une place pour la responsabilité pénale? **Pouvoirs (revue d'études constitutionnelles et politiques)**, (۱), ۴۳-۴۷.
- Matsopoulou, Henry (۲۰۰۸) Le développement des mesures de sûreté justifiées par la dangerosité et l'inutile dispositif applicable aux malades mentaux. **Droit pénal**, (۴), ۷-۲۵.
- Pin, Xavier (۲۰۰۷) **La participation consensuelle**, in «Les nouvelles orientations de la phase exécutoire du procès pénal», vol. XXV; institut de sciences criminelles de Poitiers, Cujas.
- Pin, Xavier(a) (۲۰۰۹) **La responsabilité pénale des parents du fait de leur enfant mineur**. In *Etre parent aujourd'hui*, Dalloz.
- Pin, Xavier(b) (۲۰۰۹) **Lois pénales spéciales, Circulation routière**, J-Cl. pénal Code ۱۰۰, n°۱۷۸.
- Poncela, Pierrette (۲۰۰۳) Quand le procureur compose avec la peine, **Revue de science criminelle et de droit pénal comparé(RSC)**, ۱۳۹-۱۶۳.
- Pradel, Jean (۱۹۹۵). **D'une loi avortée à un projet nouveau sur l'injonction pénale**. Recl. Dalloz.
- Pradel, Jean (۲۰۰۸). **Une double révolution en droit pénal français avec la loi du ۲۵ février ۲۰۰۸ sur les criminels dangereux**; No.۲۵.
- Ribeyre, Cédric (۲۰۰۷) *La sanction réparation (loi n°2007-297 du 5 mars 2007)*, Chron. lég. **Revue de science criminelle et de droit pénal comparé(RSC)**, ۸۹۶-۹۳۸.
- Robert, Jacques-Henri (۲۰۰۶) Les murailles de silicium: commentaire de la loi no ۲۰۰۵-۱۵۴۹ du ۱۲ décembre ۲۰۰۵ relative au traitement de la récidive des infractions pénales, chron. No ۲. ; **Dr. pénal**, ۸۸-۹۶.
- Robert, Jacques-Henri (۲۰۱۰) Récidive législative. Commentaire de la loi n°۲۰۱۰-۲۴۲ du ۱۰ mars ۲۰۱۰ tendant à amoindrir le risque de récidive criminelle et portant diverses dispositions de procédure pénale, **Dr. pénal**, étude n°۸.
- Rouvillois, Frédéric. Bailly, Frédéric. & Fondation pour l'innovation politique. Colloque (۲۰۰۵) **Le modèle juridique français: un obstacle au développement économique?** Dalloz.
- Saas, C. (۲۰۰۴) L'ajournement du prononcé de la peine. Césure et recomposition du procès pénal, **Dalloz**, NBT, n°۲۶۷.
- Saas, Claire (۲۰۰۴) *De la composition pénale au plaider coupable: le pouvoir de sanction du procureur*, **Revue de science criminelle et de droit pénal comparé(RSC)**, ۸۲۷-۸۴۲.
- Salvage, Philippe (۲۰۱۰) La grande délinquance est-elle une maladie? **Dr. Pénal**, étude ۳, ۴۳۳-۴۵۶.

- Salvage, Philippe (۲۰۰۶) Réflexions sur les substitutions de peines en cascade, chron. no ۱۰. **Dr. penal.** étude ۱۰. ۳۱۸-۳۲۳.
- Ullmann, Matieu. (et autres), (۱۹۹۰) De la peine de substitution à la peine de réparation, chron. **Dr. pénal**, ۱۳۴-۱۵۸.
- Varinard, André (۲۰۰۸) **Réforme de l'ordonnance de ۱۹۴۵ sur le droit des mineurs: les vrais propositions**, Entre modifications raisonnables et innovations fondamentales.
- Vermelle, Georges (۲۰۰۷) Stage (s), Mélanges B. Bouloc, **Dalloz** ; ۱۱۳۳-۱۱۵۶
- Volff, Jean (۱۹۹۵). Un coup pour rien! L'injonction pénale et le Conseil constitutionnel. Recl. **Dalloz**. ۱۸۰-۲۰۳.

ج- قوانین و تارنماهای اینترنتی

۱. قانون مجازات اسلامی (اصلاحی ۱۳۸۷)

۲. Ordinance, Feb. ۲, ۱۹۴۵.
۳. CPP. (Code de procédure pénale) ۲۰۰۸
۴. C. pén. (Code pénale) ۲۰۰۵.
۵. <http://rc.majlis.ir>
۶. <https://actu.dalloz-etudiant.fr>
۷. <https://www.conseil-constitutionnel.fr>
۸. <https://www.courdecassation.fr>
۹. <https://www.legifrance.gouv.fr>
۱۰. <https://www.legifrance.gouv.fr>
۱۱. <https://www.lemonde.fr>